

اهمیت و جایگاه دشمن‌شناسی در قرآن

طیبه پوراوند (مرکز فرهنگ و معارف قرآن)

اشاره:

در بحث «دشمن‌شناسی در قرآن» به جایگاه شناخت دشمن در قرآن پرداخته می‌شود و طی این شناخت به واژگانی برخورد می‌کنیم که شناخت دشمن را برای ما بهتر و راحت‌تر می‌نماید. در این نوشتار، بیان خواهیم کرد که اصل مطرح شده در قرآن در خصوص برخورد با دشمنان، یک اصل همیشگی و دائمی است و در تمام ادوار قابل استفاده است. در قرآن به انواع دشمنان و در واقع به مراتب دشمنی اشاره شده است. از این رو، هر دسته از دشمنان دارای خصوصیتی منحصر به فرد می‌باشند و راهکارهای مبارزه مختص به خود دارند. پس برای مبارزه با آنها باید سیاست‌های اصولی خاصی را به کار گرفت و دچار افراط و تفریط نگردیم و تنها براساس موازین الهی عمل نماییم.

طرح مسئله

با پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان اسلام بیش از پیش خود را برای مقابله با اسلام ناب آماده کردند. آنها همواره سعی نمودند تا از راه‌های گوناگون کیان و عظمت اسلام را متزلزل سازند؛ بنابراین برای دفاع از حریم اسلام و انقلاب اسلامی در مرحله اول باید دشمن را شناسایی کرد و سپس با تاسی به اولیای الهی روش برخورد با آنان را آموخت؛ زیرا دشمن با چهره‌های گوناگون ظاهر می‌شود و برای هر زمانی باید سلاحي متناسب با آن زمان را به کار گرفت.

سوال‌هایی که در خصوص بحث «دشمن‌شناسی» در قرآن مطرح است، این است که آیا برای شناخت دشمن فقط باید به لفظ «عدو» بسنده کرد و یا این که الفاظ دیگری هم راهگشای این بحث است؟ آیا اصول بیان شده در قرآن در همه ادوار قابلیت اجرایی دارد؟ و آیا دشمنان در قرآن معرفی شده‌اند؟

۲۹۰۸

جایگاه شناخت دشمن در قرآن

شناخت دشمن نقش مهم و اساسی در رویارویی انسان با دشمنان دارد، چرا که، اگر توان انسان در رویارویی بسیار باشد ولی اطلاعات کافی را در دست نداشته باشد شکست خواهد خورد، هر موجود زنده ای دشمن دارد و به میزان گستردگی وجود خود با دشمن بیشتری رو به رو است.

جمهوری اسلامی ایران، حکومتی است با روشی نو و مستقل که مردمان آگاه و مستعد آن، این حکومت را پذیرفته اند و تا پای جان در حراست از آن می کوشند. چنان چه به چگونگی تشکیل این حکومت و ابعاد آن توجه کنیم در خواهیم یافت که جمهوری اسلامی ایران به حتم دشمنان فراوانی دارد چنان چه دشمن را به خوبی نشناسیم شکست ما حتمی خواهد بود؛ اما شناسایی دشمن جمهوری اسلامی ایران تا حدی دشوار است زیرا این حکومت نوپاست و دشمنان ما سال ها به اندوختن تجربه و آموزش در به کارگیری فنون استتار و اختفاء پرداخته اند، پر واضح است که کشف و شناسایی آنان به راحتی و از راه های معمولی امکان پذیر نمی باشد. پس در شناخت دشمن و اهداف و روش های آنان باید مسیر دیگری در پیش گرفت و آن، بهره جویی از معارف و هدایت قرآن کریم است که دشمن را به همراه نیرنگ های او به روشنی در برابر دیدگان ما به تصویر کشیده و راه مقابله و پیروزی را نیز تبیین نموده است.

نظر به این که قرآن هم جامعیت دارد و هم جاودانگی، در می یابیم که هیچ موضوع مهمی در راستای هدایت انسان نیست که در قرآن از آن صحبت نشده باشد به خصوص موضوع مهمی همچون ساختار جامعه اسلامی و عواملی که به طور مثبت یا منفی در ساختار آن موثر است. با تاملی دقیق در آیات در خواهیم یافت که تا چه اندازه قرآن کریم نسبت به «شناساندن دشمن» حساسیت نشان داده است؛ به طوری که بیش از هزار و پانصد آیه از آیات قرآن پیرامون دشمن شناسی است. این آیات، انواع دشمنان مومنان و نظام اسلامی، ابزار و شیوه های دشمن و راه های مقابله با آنان را به مسلمانان می آموزد. قرآن کریم چهار گروه از دشمنان را نام برده است:

«شیطان و همراهان او»، «کفار»، «برخی از اهل کتاب خصوصاً یهودیان» و «منافقین»، که ما از این چهار دشمن، به اسم دشمنان ایمانی، خارجی - سیاسی و داخلی - سیاسی نام خواهیم برد. اما قبل از ورود به بحث بیان چند نکته

ضروری می نماید:

اصل مشابهت تاریخی اقوام

ممکن است کسی بپرسد که مورد خطاب قرآن تنها اقوام گذشته بودند که در عصر نزول قرآن تا پایان آن دوره زندگی می کرده اند نه نسل های آینده، در نتیجه قرآن برای همه عصرها و نسل ها سودمند و هدایت کننده نخواهد بود. برخی گمان می کنند که هیچ ارتباطی بین شگردهای دشمنان در گذشته با آن چه که امروز اتفاق می افتد وجود ندارد و شناسایی روش دشمنان اوایل اسلام که در قرآن بیان شده است سودی برای شناخت تاکتیک های کنونی دشمن ندارد چه این که فاصله گذشته و حال از هر جهت، از زمین تا آسمان است. ولی حقیقت آن است که این یک برداشت سطحی است، چون قرآن علاوه بر این که همه مسائل را بیان کرده، فراتاریخی هم می باشد و قاعده «جری» و «انطباق» این که قرآن کتابی همگانی و همیشگی است و در غایب مانند حاضر جاری است و به آینده و گذشته مانند حال منطبق می باشد، مورد تایید و قبول همه می باشد و در واقع، این کتاب آسمانی، صفت و اصل مهم «مشابهت تاریخی اقوام» را به رسمیت می شناسد. آیات سوره های بقره: ۱۱۸/ «و قال الذین لا یعلمون لولا یکلمنا الله او تاتینا آیه کذلک قال الذین من قبلهم مثل...» مومنون/ ۴۴ و ۸۱، مومن/ ۵، سبأ/ ۲۴ و قصص / ۵۸ بیانگر اصل «مشابهت تاریخی اقوام» می باشند. از مجموع این آیات در می یابیم راهکارهایی که در قرآن برای شناسایی و برخورد با دشمنان بیان شده در هر زمانی کاربرد و قابلیت اجرایی دارد و با استعانت از آیات قرآن می توانیم موضع گیری مناسب و عاقلانه ای در برابر دشمن داشته باشیم.

واژه های کلیدی مرتبط با شناخت دشمن در قرآن

الف- عدو: در قاموس قرآن «عدو» به معنای دشمن است؛ آن هم دشمنی که هم در دل با انسان عداوت دارد و هم در ظاهر مطابق آن رفتار می کنند. به طور کلی، دو نوع دشمن وجود دارد: یکی آن که یک شخص به فرد دیگر عداوت دارد همراه با انگیزه عداوت و دشمنی. دیگری این که فرد با قصد و انگیزه عداوت نباشد بلکه دارای حالتی است که فرد مقابل از آن متاثر می شود.

ب- مکر: به معنی خدعه و نیرنگ است. استاد مصطفی مراغی در تفسیر خود مکرر این گونه بیان کرده اند: «مکر

در اصل تدبیر مخفی است که مکر شده را نسبت به آنچه که گمان نمی کرد می کشاند و غالباً در تدبیر سوء و ناپسند به کار می رود.»

ج- کید: به مفهوم حیله و نیرنگ، فریب دادن و کوشش کردن است. از این جهت، به جنگ «کید» گفته می شود. کید در هیچ زمانی بدون تامل و اندیشیدن به کار گرفته نمی شود.

د- خدع: به معنی فریب دادن و قصد بدی نسبت به دیگران داشتن است به گونه ای که از دید طرف مقابل پنهان باشد. مراغی در تفسیر این آیه «یخدعون الله و الذین ءامنوا...» می گوید تعبیر به «مخادعه» برای مبالغه است یا بیانگر تکرار و دوام «خدعه» و نیرنگ منافقان به مومنین است.

ه- نفاق: به مفهوم مخفی کردن، کفر و تظاهر به ایمان است. منافق کسی است که با روش مرموز در جامعه نفوذ کند و از طریق دیگر فرار کند. علاوه بر واژه های فوق «کفر، ضلل، صد و بطانه» هم به بحث دشمن و شناخت دشمن در قرآن مرتبط می باشد، همه این واژه ها بیش از هزار بار در قرآن مطرح شده است که هر کدام از این واژه ها و مشتقات آن ها به نوعی به شناخت دشمن مرتبط است و از طریق این واژه ها، راه برای شناسایی دشمن هموارتر می گردد. حال به بحث درباره انواع دشمن از نگاه قرآن می پردازیم:

۱- دشمن ایمانی (شیطان و بعضی از همسران و فرزندان)

شیطان از ماده «شطن» به معنای فاصله گیرنده و دور شونده است، در لغت به هر موجود منحرف کننده، سرکش و اختلاف گر گفته می شود. شیطان با نام های ابلیس و خناس هم در قرآن مطرح شده، ابلیس از «بلس» به معنای مایوس شده و خناس به معنی پنهان شده و باز پس رفته می باشد. با تحلیل مفهومی از واژه شیطان و خناس در خواهیم یافت که این دشمن حالت تهاجمی دارد و فاصله گرفتن او مبنی بر واکنش آدمی است که با یاد خدا صورت می پذیرد. شیطان دشمن قسم خورده و دیرینه انسان است که با اهداف خاصی به میدان می آید و مبارزه اش حساب شده است، او از کمین گاه هایی که انسان در آن ها به دام می افتد آگاه است و به هیچ چیز جز به اسارت در آوردن آدمی قانع نیست. او در پی اغوای همه آدمیان جز مخلصان است.

قرآن به صراحت می فرماید: «ان الشیطن لکم عدو فاتخذوه عدوا...» این که شیطان دشمن آدمی است یک مطلب

۲۹۱۱

است و این که انسان باید متوجه باشد و با هوشیاری او را دشمن خویش بگیرد و در مقابل او ایستادگی و واکنش از خود نشان دهد، مطلب دیگری است. در بسیاری از آیات قرآن کریم از شیطان به عنوان دشمنی آشکار نام برده است.

خصوصیات شیطان یا مهارت های او در به اسارت کشیدن انسان عبارتند از: زینت بخشی اعمال در نظر انسان (انفال / ۴۸، نحل / ۶۳؛) القای وسوسه (انعام / ۱۲۱، اعراف / ۲۰ - ۲۱، طه / ۱۲۰؛) تباه کردن و گسستن پیوندها (اسراء / ۵۳؛) راندن از پشت و زمامگیری از رو به رو (مجادله / ۱۹؛) دستور دادن به منکرها (حشر / ۱۶، نور / ۲۱).

اما در برابر مهارت های شیطان، انسان به یکسری سیاست های اصولی برای مبارزه با شیطان نیاز دارد: گام اول کاوش و بازنگری در حوزه جان است برای شناخت بیماری ها در بعد رفتاری و شناخت کاستی ها و ضعف ها در بعد اندیشه، گام دوم، درمان بیماری ها و تصحیح اندیشه ها و ارزیابی باورها و در نهایت پیش گیری از آسیب دیدن و تلاش در بالندگی و خروج روح می باشد. طبق آیات صریح قرآن انسان ابتدا باید نگاهبان جان خویش باشد تا از شر دشمن ایمانی در امان باشد و در مرحله بعد باید واکنش مناسب در مقابل هر نوع وسوسه دشمن داشته باشد سپس استعاذه و استغفار را در درگاه خداوند ترک نکند. و در مرحله آخر پایداری و برخورد خصمانه با این نوع دشمن داشته باشد.

اما دشمن ایمانی در شیطان خلاصه نمی شود آیاتی از قرآن مجید بعضی از همسران و فرزندان را «عدو» معرفی کرده است. اما چرا بعضی از آن ها؟! مرحوم طبرسی (رحمه الله) در این باره بیان می دارند: «برخی از همسران و فرزندان آرزوی مرگ انسان را دارند تا ثروت او را به ارث برند و مسلماً هیچ دشمنی برای انسان بدتر از آن نیست که آرزوی مرگ را برای انسان داشته باشد، برخی هم پدر و همسر را به خاطر سودجویی وسوسه می کنند تا دست به گناه و ستم زند و مقررات خدا را در جهت هواهای خود پایمال کند.» هم چنین علامه طباطبایی (رحمه الله) در این زمینه بیان کرده اند که «بعضی از زنانی که با همسران مومن خود دشمنی می ورزند بدان علت است که شوهرانشان ایمان دارند و عداوت به خاطر ایمان آن هاست، می خواهند شوهران خود را از اصل ایمان و یا از اعمال صالحه ای که مقتضای ایمان است منحرف کنند و شوهران زیر بار نمی روند، قهراً زنان با آنها دشمنی می کنند چون دوست

می دارند شوهران به جای علاقه مندی به راه خدا و پیشرفت دین به اولاد و همسران خود علاقه مند باشند و برای تامین آسایش آنان به دزدی و غصب مال مردم دست بزنند. در حقیقت، دشمن ایمان پدران و همسران خود می باشند.» خداوند متعال مومنان را چنین مورد خطاب قرار می دهد که: «در حقیقت برخی از همسران و فرزندان شما دشمنان شما هستند، از آنان بر حذر باشید...»

با این اوصاف دریافتیم که دشمن ایمانی دشمنی جدی است که ما چه بخواهیم چه نخواهیم با این نوع دشمنی دست به گریبانیم، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در این باره می فرماید: «الا ان اعقل الناس عبد عرف ربه فاطاعه، و عرف عدوه فعصاه؛ آگاه باشید! خردمندترین مردم بنده ای است که پروردگارش را شناخته، فرمانش برد و دشمنش را شناخته، نافرمانی اش کند.»

۲. دشمن خارجی - سیاسی (یهود، مشرک و کافر)

برخی یهودیان به نام های عبرانیان و اسرائیلی ها هم خوانده شده اند، در قرآن بیش از همه اقوام دیگر از بنی اسرائیل سخن گفته شده است و آن به علت شدت عناد و جهودشان نسبت به حق است، خداوند برای روشن و تبیین نمودن ابعاد دشمنی آنها با حق در آیات بسیاری از نعمت های مختلف الهی بر آن ها سخن گفته و سپس موضع آنها را در برابر این نعمت ها بیان کرده است که چگونه ناسپاس و بهانه جو هستند.

برخی از یهودیان، آن قدر نیرنگ و توطئه از خود نشان داده که از حد و حصر خارج است. در همان روزهای پیدایش، آن قدر با پیامبر عظیم الشان خود کج روی و بدرفتاری کردند که چندین مرتبه برایشان عذاب نازل شد. در سوره مائده یهودیان به عنوان دشمن ترین دشمنان معرفی شده اند: «لتجدن اشد الناس عدو له للذین ءامنوا الیهود والذین اشركوا...»

از مشرکان نیز در آیه ۸۲ سوره مائده به عنوان دشمن ترین دشمنان معرفی شده اند؛ چنان که کفار هم طبق آیات صریح قرآن کریم هرگز خیرخواه اهل حق نیستند (بقره/ ۱۰۵)، در راه خدا موانعی را برای باز ماندن مسلمانان از این راه ایجاد می کنند (انفال/ ۳۶)، سعی و تلاش می کنند که اهل حق را به کفر برگردانند (نساء/ ۸۹)، خیلی علاقه مند به غفلت مسلمانان می باشند (نساء/ ۱۰۲) و نهایت سعی و تلاش خود را برای نابودی حق دارند. طبق آیه ۵۶ از

۲۹۱۴

سوره کهف، به طور کلی در سه آیه از قرآن کریم کافران به عنوان دشمن نام برده شده اند: نساء/ ۱۰۱، ممتحنه/ ۱ و صف/ ۱۴

۳- دشمن داخلی - سیاسی (منافق)

منافق، کسی است که ظاهر و باطن او یکی نباشد و به اصطلاح «دورو» باشد. منافق اختصاصاً به اسلام ندارد بلکه آن دسته افراد دور از منطق و استدلال هستند که برای اغراض شخصی خود تا آن جا که شرایط اجازه می دهد کارشکنی می کنند ولی به دوستی تظاهر می نمایند.

خطرناک ترین دشمن چه در مجموعه اعتقادات دینی و مذهبی و چه در ناحیه معاشرت های اجتماعی دشمن ناشناخته است، دشمن شناخته شده هر چند هم قوی و نیرومند باشد، ضررش کمتر و خیانت او قابل دفاع و جبران است زیرا هویت او معلوم و سوء قصد او روشن است، اما دشمن ناشناخته هر چه هم کوچک و ناتوان باشد چون نقابی از دوستی و محبت بر چهره دارد و شعار او شعار توده مردم است؛ ولی زیر آن نقاب و لباس ظاهری، دلی مملو از کین و عداوت و خنجری زهرآلود و کشنده پنهان دارد و همواره منتظر فرصتی است تا به اغراض پلیدش جامه عمل بپوشاند. اسلام در طول تاریخ خود بیشترین ضربه را از منافقان خورده است. به همین دلیل است که قرآن سخت ترین حملات خود را متوجه منافقان ساخته است و بزرگ ترین اعلام خطر را درباره آن دسته از دشمنان داشته است که می فرماید: «هم العدو فاحذرهم» طبق این فراز نورانی، تنها منافقان دشمنان حقیقی هستند و باید از آنان پرهیز نمود. بنابر گفته علامه طباطبایی (رحمه الله): «بدترین دشمن انسان آن کسی است که واقعا دشمن باشد و آدمی او را دوست خود بپندارد.»

خطر قشر «منافقین» برای اسلام و مسلمانان تا آن جاست که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مورد نقشه های خائنه آنها می فرماید: «من بر امتم نه از مومنان بیمناکم و نه از مشرکان؛» چرا که مومن ایمانش مانع ضرر او است، و خداوند مشرک را به جهت شرکش رسوا می کند، «ولی من از منافق بر شما می ترسم که از زبانش علم می ریزد و سخنانی می گوید که برای شما دلپذیر است، اما اعمالی (در خفا) انجام می دهد که زشت و بد است.» در برخی از آیات قرآن منافقان بدتر از کفار تلقی شده اند: (نساء/ ۱۴۵). سر این حقیقت از نظر اندیشمند و فاضل محترم،

۲۹۱۴

حضرت آیت الله جوادی آملی آن است که: «اولا منافقان از کافران و مشرکان زیان بارترند، ثانیاً، منافقان هر چند مانند کافران در درون، منکر دین هستند، ولی اهل کتمان، دروغ، خدعه و استهزاء نیز هستند. کسی که کفرش، کفر محض است، دیگر به این پلیدی های نفسانی مبتلا نیست، ولی کفر منافق آمیخته با این بدی ها است.»

ویژگی های منافقان در قرآن

خصوصیات متعددی که قرآن برای منافقان بیان نموده است، تصویر روشنی را از شخصیت منافق ارائه می دهد که در قالب خصوصیات ذیل قابل تبیین است.

- خصوصیات عقیدتی: عدم اتخاذ موضعی مشخص در برابر توحید، اظهار ایمان در میان مسلمانان و اظهار

شرک در میان مشرکان (بقره/ ۲۰۴ و منافقون/ ۲؛)

- خصوصیات عبادی: عبادت از روی ریا و عدم اعتقاد، ایستادن به نماز همراه با تنبلی و بی حالی (نساء/ ۱۰۸ و

۱۴۱ - ۱۴۳ و توبه/ ۵۴؛)

- خصوصیات اجتماعی: امر به منکر و نهی از معروف (توبه/ ۶۷)، کفر ورزیدن در پوشش ایمان، افساد در

پوشش اصلاح و نیرنگ بازی و چند چهرگی (بقره/ ۱۰-۸) دارای قیافه حق به جانبند و سعی دارند که مردم را

تحت تاثیر قرار دهند (منافقون/ ۵-۱)، تضعیف باورهای دینی و شبهه افکنی (آل عمران/ ۱۵۴، احزاب/ ۱۲)، تحقیر

مومنان (بقره/ ۱۴، توبه/ ۷۹، هود/ ۲۷ و شعراء/ ۱۱۱) و سوگند بسیار برای باوراندن حرف خود به مردم (توبه/ ۵۶ و

منافقون/ ۲.)

- خصوصیات اخلاقی: عدم اعتماد به نفس، ترس و بخل (احزاب/ ۱۹، منافقون/ ۷، توبه/ ۶۷)، لجاجت (بقره/

۱۸ و اعراف/ ۱۷۹)، خودبزرگ بینی (بقره/ ۲۰۶)، پیروی از هوای نفس (محمد/ ۱۶)، توجیه گناه (نساء/ ۶۲).

- خصوصیات سیاسی: دوستی با بیگانگان (مجادله/ ۱۴)، فتنه انگیزی (توبه/ ۴۸-۴۷)، فرصت طلبی (نساء/ ۱۴۱،

احزاب/ ۲۰-۱۹)، ایجاد جنگ روانی (نساء/ ۸۳ و احزاب/ ۶۰)، نپذیرفتن حکومت دینی (نساء/ ۶۰-۶۱) و مخالفت

عملی با دستورات ولایت (نور/ ۶۲ - ۶۳).

حضرت علی(علیه السلام) در این باره می فرمایند: «از دشمن مخفی بیش از دشمن آشکار بر حذر باش.» اصولاً

خصوصیت اصلی شخصیت منافق همان تردید در انتخاب ایمان و کفر است که نشانه ترسو بودن و عدم اعتماد به نفس او است که درباره منافقان هر عصری جاری است.

سیاست اصولی دشمن برای مبارزه

جنگ و عناد دشمنان همیشه شکل ثابتی نداشته است و شیوه های مختلف و متنوعی را برای پیکار و از پا درآوردن حریف خود، متناسب با اوضاع و شرایط مبارزه به کار می برند، اصولی را بر می گزینند و به عنوان خط مشی کلی بر مبنای آنها راهکارها و مراحل عملیات را برای دست یابی به مقصد خود برنامه ریزی می کنند. به یقین، شیوه های مبارزه دشمنان سیاسی با دشمنان ایمانی از هم متمایز می باشد، هر چند هر دو هدف واحدی را دارند و آن به اسارت کشیدن انسان است و پر واضح است که باید شیوه های تدافعی هم در مورد این دو دسته با هم فرق داشته باشد. شیوه های مبارزه دشمنان ایمانی در بحث مربوط به شیطان، بعضی از همسران و فرزندان مطرح شد اما در خصوص دشمنان سیاسی گفتنی است که شیوه هایی که دشمنان اسلام برای مبارزه با رهبر حکومت اسلامی که از قدرت نفوذ و تاثیر در جبهه سیاسی و اجتماعی برخوردار است به کار می برند، از منظر قرآن عبارت است از:

الف) شکستن قداست رهبری با استفاده از حربه تهمت و افتراء که در سوره مومن/ ۲۶ به این مطلب اشاره شده است.

ب) ایجاد تردید و ابهام در بین مردم نسبت به حقانیت رهبری (اعراف/ ۷۵، رعد/ ۴۳، فرقان/ ۸-۷، تغابن/ ۶).

ج) تحقیر و استهزای رهبری (هود/ ۳۸، انبیاء/ ۳۶، حجر/ ۱۱، زخرف/ ۵۲).

د) تهدید رهبری که انواع مختلف آن در قرآن بیان شده است (آل عمران/ ۲۱، انفال/ ۳۰، اعراف/ ۸۸، ابراهیم/

۱۳، شعراء/ ۲۹ و ۱۶، قصص/ ۲۰).

دشمن برای گمراه کردن پیروان حق و تضعیف و تحریف مبانی مکتب اسلام، به راهکارهای گوناگونی ممکن

است روی بیاورد که عبارت اند از:

الف) تلاش برای گمراه کردن از طریق صرف هزینه های کلان (انفال/ ۳۰)؛ ب) اشاعه فساد، نشر اکاذیب و

پخش شایعات (لقمان/ ۶، انعام/ ۱۴۴)، ج) اختلاف افکنی و تفرقه انگیزی (قصص/ ۴)؛ د) محاصره اقتصادی

(منافقون/ ۷؛ ه-) تمسخر و دست انداختن (بقره/ ۱۴ و ۲۱۲، مظفین/ ۲۹ - ۳۲؛ و) تهمت های ناروا و اعزاز عوامل نفوذی (توبه/ ۴۷؛ ز) ترویج فرهنگ استعماری، تضعیف روحیه مسلمانان و تبلیغات سوء (نساء/ ۸۳، ممتحنه/ ۱).

برخورد دشمن با دین و مذهب و مبانی مکتب نیز دارای شکل ثابتی نمی باشد. دشمن همواره در طول تاریخ حسابگرانه وارد عمل شده و در شرایطی که مذهب در رگ و پوست مردم ریشه دوانده است، دشمن برای ضربه زدن، خود را مزین به لباس مذهب می کند و اتهامات و برچسب های گوناگون را به رهبر، مکتب و امت اسلامی بیان می دارد. البته این شیوه ها خود نشان دهنده ضعف و زبونی دشمنان امت اسلامی است چون نمی توانند در قداست و عظمت اسلام و مسلمانان عیب و نقصی پیدا کند، به این شیوه ها متوسل می شوند.

سیاست اصولی مبارزه با دشمن

به طور کلی، سه اصل مهم در برخورد با دشمن وجود دارد: ابتدا دشمن شناسی است و آن چه بعد از شناخت دشمن در دفاع هوشمندانه نقش مهم و اساسی را ایفا می کند، شناخت راههای تدافعی آن می باشد که باید برای آموختن این شیوه ها به «قرآن و عترت» روی آورد که در تاریکی ها، «نورالمبین» و در تنش های اجتماعی «جبل المتین» و در طوفان های سهمگین حوادث «عروه الوثقی» می باشند و البته عترت پیامبر است که مفسر و مبین قرآن می باشد.

اصل دوم طبق آیه ۶۰ از سوره انفال، هوشیاری و کسب اقتدار، مجهز شدن به مدرن ترین سلاح ها و آمادگی کامل در مقابل دشمن است.

و اصل سوم در برخورد با دشمن، ممنوعیت دوستی با دشمن است که بسیاری از آیات قرآن به آن اشاره کرده است: احتیاط در برخورد با دشمن (بقره/ ۱۲۰، آل عمران/ ۶۹)، عدم طرح دوستی با دشمن (نساء/ ۸۹ و ۱۴۴، مائده/ ۸۲، ممتحنه/ ۴-۱)، ایمن ندانستن خود از وسوسه دشمنان (نساء/ ۴۵-۴۴)، عدم اعتماد در گفتن راز به دشمنان (آل عمران/ ۱۱۸ - ۱۲۰، منافقون/ ۱۴)، سازش ناپذیری در برابر دشمنان (آل عمران/ ۱۴۶، هود/ ۱۱۳) و پرهیز از دوستی با یهود و نصاری (مائده/ ۵۲-۵۱) همگی از جمله هشدارهایی است که قرآن کریم اعلان فرموده

است. خداوند علاوه بر هشدارهای فوق یک راهکار اصلی و اساسی به مسلمانان توصیه می کند و آن آراسته شدن به لباس صبر و تقوی است که آیه ۱۲۰ سوره آل عمران به آن پرداخته است: «ان تصبروا و تقوا لا یضرکم کیدهم شیئا...» نقطه پیوند صبر و تقوی و مصونیت از نیرنگ های دشمنان در این است که اولاً این دو (صبر و تقوی) سبب: نیرومندی در کارها (آل عمران / ۱۸۶)، زدودن ترس و اندوه از دل ها (احقاف / ۱۳) و نیز نزول امدادهای غیبی از جانب خدا برای صاحبان این دو فضیلت است. در این صورت است که تیرهای توطئه دشمنان به هدف اصابت نمی کند و نقشه های آنان ناکام می ماند.